

(مقاله پژوهشی)

بازنمایی اهمیت، نقش و جایگاه حوزه علمیه ری در تاریخ کلام امامیه

محمد حسن نادم^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۳ ، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۷

چکیده

پس از افول مدرسه بغداد (۴۴۷ق) تا شکل‌گیری مدرسه کلامی حله (نیمه قرن ۶) در عراق که از مدارس بسیار مهم و تحول‌آفرین در علوم مختلف از جمله علم کلام بود، در تاریخ کلام امامیه فترتی رخ داد و شیعیان فاقد مدرسه کلامی شدند، تنها حوزه ای که شیعه در آن تکاپوی علمی داشت، حوزه علمیه ری بود، در ری پیروان دیگر مذاهب اسلامی به ویژه معتزله حضور فعال و تاثیر گذاری داشتند و از این جهت فضای حاکم بر آن حوزه عقل‌گرایی اعتزالی بود، امامیه نیز در آن حوزه با پیروی از خط کلامی قم و بغداد تلاش مجدانه داشتند، اما تحول خاصی در کلام ایجاد نکردند، از این رو حوزه ری در زمره مدارس کلامی امامیه بشمار نیامد، اما از جهات دیگر از جمله در شکل‌گیری مدرسه کلامی حله نقش بسیار مهم و موثری ایفا کرد، بدین جهت این جستار بر آن است با روش کتابخانه‌ای به تحلیل و بررسی تاریخی، جایگاه، اهمیت و نقش کلیدی حوزه ری به عنوان یکی از مراکز فرهنگی مهم آروزگار ایران که حلقه وصل مدرسه قم و بغداد، با حله عراق بود، پردازد و تاثیر آن را در تاریخ کلام امامیه بنمایاند.

واژگان کلیدی: مدرسه قم، مدرسه بغداد، حوزه ری، مدرسه حله، تاریخ کلام امامیه

۱) طرح مسئله

پس از مدرسه مدینه، کوفه و قم، مدرسه بغداد در مقطعی از تاریخ، همزمان با دوران حکومت آل بویه (۳۳۴-۴۴۷ق) به عنوان تنها مدرسه کلامی امامیه محسوب می شد و همه توجهات را به خود جلب کرده بود. همزمان با رونق مدرسه بغداد در ری نیز حوزه علمیه فعالی وجود داشت که از جهات متعددی با مدرسه بغداد مشابهت داشت:

- ساختار جمعیتی هر دو شهر را پیروان مذاهب مختلف اسلامی اعم از فرق شیعی و فرق غیر شیعی شکل می دادند که تکاپوی علمی آنها و تضارب آراء و اندیشه عالمانشان، رونق بخش مدارس آن دو مرکز بود (فدایی و عراقی، ۱۳۸۳: ۵۹).

- با توجه به حاکمیت آل بویه بر هر دو شهر ری و بغداد در مقطع تاریخی ۳۲۲ تا ۴۴۷ق، در هر دو شهر حاکمیتی همسو وجود داشت که علاوه بر دغدغه های سیاسی، بر توسعه علمی و فرهنگی نیز اهتمام جدی داشتند، لذا بخش قابل توجهی از موفقیت های هر دو مدرسه مرهون حمایتها و عنایتهای حاکمان بویهی بود و چه بسا اگر آنها بسترساز شکل گیری آن حوزه های علمی نمی شدند، آنچه در باره جایگاه و ویژگیهای حوزه های مذکور در آن مقطع تاریخی خاص گفته اند میسر نمی شد (صدیقیان، ۲۶: ۱۳۸۹-۳۱؛ فدایی و عراقی، ۱۳۸۳: ۴۹).

- با توجه به اینکه عقل گرایی از نوع معتزلی در روزگاری بر هر دو مدرسه حاکم بود و تا حدودی متکلمان را از خط اصیل کلام امامیه به انزوا کشانده بود (احمدی و میرزایی، ۱۳۹۳)، اما در زمان حاکمیت آل بویه همزمان در بغداد وری خط فکری محدثان نیز از فعالیت قابل توجهی بر خوردار شد، زیرا قبل از این با عزیمت علمایی از قم به بغداد مانند شیخ کلینی، ابن قولویه قمی، و... (قمی، ۱۳۹۷ق، ج ۱: ۳۹۱) عقل گرایی بغداد تا حدودی تعدیل شده بود، و بر خلاف گذشته که نص گرایی مورد بی مهری قرار داشت، عقل گرایی و نص گرایی به موازات هم مورد توجه قرار گرفت؛ همچنین با عزیمت شیخ صدوق و عده دیگری از محدثان قم به ری حوزه ری نیز وارد فاز جدیدی شد و علاوه بر عقل گرایان، نص گرایان نیز در آن حوزه فعال شدند و هر دو رویکرد به موازات هم مورد توجه قرار گرفتند (نریمانی و فیروزمند، ۱۲۷: ۱۳۸۶-۱۳۹). (۱۳۹-۱۳۸۶)

بنابراین با عنایت به تشابه، همداستانی و جایگاه علمی که هر دو حوزه بغداد وری داشتند پرسشی که به نظر می‌آید این است که چرا آنگونه که مدرسه بغداد در کانون توجه شیعیان قرار داشت، حوزه ری چنین موقعیتی را پیدا نکرد؟ در پاسخ به این پرسش باید بنا بر شواهد تاریخی از تفاوت‌های بغداد وری یادی کرد که به چند نمونه اشاره می‌شود:

- مدرسه بغداد دارای پیشینه‌ای علمی از نیمه قرن دوم همزمان با تاسیس شهر بغداد بود، که از آن زمان شیعیان و بویژه اصحاب ائمه که حاملان و ناقلان معارف اهل بیت علیهم السلام بودند در آن حضور جدی و تاثیر گذار داشتند (موسوی، ۱۳۹۴: ۱۴۰ - ۱۴۷).

- پس از شهادت امام صادق (ع) و افول تدریجی مدرسه کوفه، که از شاخصترین مدارس امامیه بود، و همه مدارس پسین و امدار او بودند، کم کم میراث داران مدرسه کوفه به بغداد منتقل شدند (همان) و تا پایان دوره حضور یکی از پایگاه‌های اصحاب ائمه علیهم السلام بغداد بود، لذا همه آن کسانی که از نقاط دیگر در جستجوی معارف اهل بیت علیهم السلام بودند، به سوی کوفه و بغداد رهسپار می‌شدند و میراث بیادگار مانده از ائمه علیهم السلام را به دیگر بلاد اسلامی انتقال می‌دادند از این رو بغداد مهمترین شهری بود که پس از کوفه مسیر انتقال معارف اهل بیت علیهم السلام به قم، بصره، خراسان، ما وراء النهر و دیگر نقاط بود (حمید زاده، ۱۳۸۵: ۱۵۱ به بعد).

- بغداد محل استقرار نواب خاص امام زمان (عج) بود و از این جهت نیز همه توجه پیروان اهل بیت علیهم السلام معطوف به بغداد بود (همان):

- بغداد به عنوان مرکز حکومت خلفای عباسی و محل رفت و شد طوایف مختلف از همه نقاط تحت سیطره حکومت اسلامی بود و از این جهت نیز از اهمیت ویژه برخوردار بود (زیدان، بی‌تا، ج ۳: ۱۵۷).

- با توجه به بعضی فعالیتها که بعضی از حکام عباسی در ترویج کارهای فرهنگی انجام دادند، شهر بغداد در دنیای اسلام به عنوان یکی از برجسته‌ترین مراکز علمی جهان اسلام به شمار می‌رفت (تقی زاده، ۱۳۹۰: ۵۵):

- واز همه مهمتر اینکه اضافه بر پیشینه ای که بغداد داشت، در دوران آل بویه چهره های شاخصی مانند: شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی و... در آن درخشیدند که به جهت نو آوریهای علمی و ایجاد تحول در روند علوم اسلامی بویژه در فقه و کلام، این مدرسه را به قطب علمی بی نظیری مبدل ساختند بطوری که همه توجهات به سمت بغداد معطوف شد، اضافه اینکه حوزه ری هر آنچه داشت از قم و بغداد اتخاذ کرده بود، بنابراین حوزه ری چنانکه از این پس گفته خواهد شد وامدار بغداد و قم بود و استقلال علمی نداشت از این رو به عنوان یک مدرسه مستقل در تاریخ کلام امامیه به شمار نمی آید.

۲) وضعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ری

شایان تذکر است علاوه بر حضور شیعیان در ری که از سابقه دیرینه بر خوردار بود (اصفهانی، ۱۴۱۵: ۱۳۲-۱۴۱)، از نیمه های قرن دوم به بعد علویان و شیعیان زیدی مذهب طبرستان که به خاطر شرایط سیاسی و درگیریها و کشمکشهای محلی به ستوه آمده بودند، از طبرستان به منطقه ری روی آوردند (طبری، ۱۳۹۷، ج ۷: ۱۱۰)، آل بویه که بر خاسته از دیلمیان بودند همزمان با تزلزلی که در بنیادهای حکومت عباسی پدید آمده بود و پایان عمر عباسیان را نوید می داد، از فرصت استفاده کردند، توانستند با شیوه سیاسی خاص خود، حکومت اصفهان، ری و بغداد را بدست گیرند که دوران حکمرانی این خانواده در ری حدود هشتاد و پنج سال بطول انجامید (مستوفی، ۱۳۸۷: ۴۰۸؛ قمی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۱۳).

حاکمان بویهی به توسعه فرهنگی بسیار اهمیت می دادند، از این رو دوران حکومت آنها به دوران رنسانس فرهنگی شهرت یافت (فقیهی، ۱۳۶۶: ۳۲۵)، در ری که رکن الدوله بویهی حکومت می کرد علاوه بر اینکه خود از فرهیختگان بود و علایق فرهنگی بسیار داشت، وزیر او صاحب بن عبّاد (۳۲۴-۳۸۶ق) نیز که از دانشمندان زمان و مورد احترام علما از مذاهب مختلف بود، از اصفهان به ری فرا خوانده شد و به مقام صدارت در دستگاه حکومتی ری گماشته شد، وی فضای مناسبی را با توجه به بسترهای موجود در ری فراهم آورد، علما و بزرگان شیعه و سنی را به ری دعوت نمود و امکانات لازم را برای شکل گیری حوزه ای علمی، قوی و قابل توجه فراهم آورد، که در آن زمان ری را در ایران سر آمد مراکز علمی نمود. این حوزه چنان نمودی پیدا کرد که علاوه بر شخصیتهای علمی مستقر

در ری، از اطراف و اکناف نیز عالمان و دانش پژوهان از فرق ومذاهب گوناگون به آن دیار روی آوردند و آن شهر را مرکز تضارب آراء و اندیشه‌های خود قرار دادند. از جمله علمای شاخصی که به ری دعوت شدند.

از علمای شیعه شیخ صدوق (۳۸۱ق) عصاره مکتب محدثان قم بود، او در سال (۳۳۹ق) به ری آمد و مورد استقبال شخص رکن الدوله قرار گرفت و بعبارتی با آمدن شیخ صدوق و بعضی دیگر از شخصیت‌های قمی، خط حدیثی قم به ری منتقل شد و چراغ رو به افول قم در ری درخشیدن آغاز کرد (ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰: ۱۱۱).

از علمای اهل سنت نیز قاضی عبدالجبار اسد آبادی همدانی معتزلی (۴۱۵ق) در سال (۳۶۷ق) از بغداد به ری آمد، او نیز عصاره خط عقل گرای معتزلیان اهل سنت بصره و بغداد بشمار می‌رفت (صدوق، ۱۳۷۹، ج ۱۶: ۱-۲۰) علاوه بر این دو شخصیت شاخص، علمای دیگری نیز از بغداد به ری آمد و شد داشتند و از قم نیز علمای دیگری غیر از شیخ صدوق به آن دیار آمده بودند (رضوی، ۱۳۹۸: ۲۹۷-۲۹۹).

بنابراین چنانکه گزارش‌های تاریخی از جمله گزارش‌های عبدالجلیل قزوینی که از نزدیکترین وقایع نگاران ری به زمان مورد نظر این جستار می‌باشد، نشان می‌دهد غلبه و چیرگی فراگیر در حوزه ری ابتدا با عقل‌گرایان اعم از شیعه و اهل سنت بوده (رازی قزوینی، ۱۳۹۱: ۴۹۴)، زیرا علاوه بر حضور شخصیت تاثیر گذار قاضی عبدالجبار معتزلی، و استقبال جدی که از درس‌های او توسط حنفیها، زیدیه و حتی شیعیان و تلاش قابل توجه صاحب بن عبّاد که گرایش معتزلی داشت موجب شده بود، رویکرد عقل‌گرایی بر فضای ری حاکم گردد (حموی، ۱۳۸۳، ج ۶: ۱۷۲)، اضافه اینکه از جانب شیعه نیز علمایی از قبل در ری بودند که پرورش یافته مکتب اعتزال گرای بغداد بودند مانند: ابن قبه رازی (اوائل ق ۴) که قبل از گرویدن به تشیع در زمره معتزله بغداد بود و ورود امثال او نیز بر فضای ری تاثیر گذار بوده است (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱: ۹۴). در هر حال درباره اینکه تفوق و برتری از کدامیک از جریان‌های فکری بوده است، اختلاف نظر وجود دارد، بعضی تفوق را از آن محدثان دانسته‌اند و بعضی دیگر تفوق را از آن عقل‌گرایان معتزلی دانسته‌اند (مادلونگ، ۱۳۷۷: ۱۴۶-۱۴۵).

۳) مدرسه ری پس از افول مدرسه بغداد

پس از اینکه طغرل بیک سلجوقی در سال (۴۳۴ق) ری و سپس در سال (۴۴۷ق) بغداد را تسخیر کرد، عباسیان نیز که از دوران اقتدار آل بویه بسی کینه از شیعیان بدل داشتند، با آنها همدستان شدند و به وضعیت مطلوبی که شیعیان همزمان با حکومت آل بویه پیدا کرده بودند، پایان دادند (ابن اثیر، ۱۴۰۷، ج ۱۰: ۲۰۹)، اوضاع دربغداد به شدت بر علیه شیعه رقم خورد، بگونه ای که دوران اقتدار سیاسی و فرهنگی شیعه که از ثمرات گرانبهای آن شکل گیری مدرسه قدرتمند بغداد با زعامت علمای امامیه بود به پایان رسید، بسیاری از مراکز علمی و فرهنگی و نمادهای تشیع در آن شهر مورد هجوم قرار گرفت، بساط مدرسه شیعه که سکان دار آن شیخ الطائفه طوسی بود برچیده شد (ذهبی، ۱۴۲۷، ج ۳: ۲۲۴-۲۲۵)، علمای شیعه از این مدرسه به شهرهای دیگر عراق، ایران و لبنان پراکنده شدند، به نجف، بحرین، ری، کاشان، خراسان، حلب، طرابلس و... روی آوردند و آسیب فراوانی به مدرسه بغداد وارد شد (ابن کثیر، ۱۴۰۸، ج ۱: ۹۰؛ ابن اثیر، ۱۴۰۷، ج ۶: ۱۹۳). بنابراین در فاصله افول مدرسه بغداد (۴۴۷ق) تا شکل گیری مدرسه حله (نیمه قرن ششم) حدود یک قرن تاریخ کلام امامیه با یک گسست و حلقه مفقوده‌ای روبرو شد که از آن به دوره فترت یاد کرده‌اند (رضوی، ۱۳۹۸: ۳۰۰).

در فاصله زمانی پس از بغداد تا حله که همزمان بود با حکومت سلجوقیان ری شرایط متفاوتی با بغداد داشت، زیرا بغداد از دیر باز مرکز خلافت اسلامی و همچنین مرکز فرهنگی جهان اسلام و بویژه مرکز تکاپو و حضور پر رنگ شیعیان بود از این رو توجه حاکمان جدید سلجوقی بیشتر متمرکز بر بغداد شد و ری به عللی که از این پس خواهد آمد تنها حوزه ای بود که شیعیان در آن به تکاپوی علمی خود ادامه دادند و حاکمیت حساسیتی چونان بغداد به آن نداشت، از این روی این جستار بنا دارد با توجه به محدودیتی که دارد، با ارائه تحلیل و بررسی تاریخی نشان دهد که حوزه ری پس از بغداد اگرچه فاقد شاخص‌های مدرسه کلامی برای امامیه بود و در تاریخ کلام امامیه در ردیف دیگر مدارس کلامی مورد توجه قرار نگرفت، اما از جهات دیگری توانست در فرایند تاریخ کلام امامیه نقش آفرینی کنند و با ایفای نقش‌های متفاوت فترت بین بغداد و حله را تا حدودی جبران و

حلقه وصل مستحکمی بین بغداد وحله که هر دو از مدارس مهم و سرنوشت ساز تاریخ کلام امامیه بوده اند، ایجاد نماید و به عبارتی پل ارتباطی حله با مدارس پیشین و پسین خود به شمار آید.

بر اساس آنچه بیان شد در مقطع تاریخی پس از مدرسه بغداد تنها حوزه ای که شیعیان در آن فعالیت کلامی داشتند و خط فکری قم و بغداد همزمان در آن ادامه داشت حوزه ری بود (رازی قزوینی، ۱۳۹۱: ۲۱-۲۲، ۳۵۰؛ جعفریان، ۴۷۰: ۱۳۸۰-۱۳۸۷) از این رو برای اینکه با رویکرد متکلمان شیعی حوزه ری پس از آل بویه وسقوط بغداد آگاهی بیشتر حاصل شود لازم است مروری بر جریانهای کلامی آن حوزه داشته باشیم.

۴) جریانهای کلامی شیعه در حوزه ری پس از آل بویه

۴-۱) عقل گرایان معتزلی

پیروان رویکرد اعتزالی که از آنها با نام اعتزال گرایان یاد می شود، کسانی بودند که تحت تاثیر خط فکری اعتزال اهل سنت مانند: قاضی عبدالجبار معتزلی، ابوالحسین بصری معتزلی (۴۳۶ق) و محمود بن محمد ملاحمی خوارزمی (۵۳۹ق) بودند (رازی، ۱۴۲۲: ۱۰۷) وهم متأثر از خط فکری اعتزال شیعه مانند: ابن قبه رازی وشخصیتهای دیگری که در بغداد پرورش یافته بودند، چهره شاخصی که در این جریان قرار داشت سدید الدین حمصی رازی (اوائل قرن ششم) بود که از این پس او را به عنوان عصاره فکری این جریان معرفی خواهیم کرد، این جریان با افزوده‌هایی از فلسفه به کلام، خط کلامی سید مرتضی را دنبال می کرد (رحمتی، ۱۳۸۷: ۱۳).

۴-۲) عقل گرایان کلامی

پیروان رویکرد عقل گرای کلامی در ری کسانی بودند که در مکتب کلامی سید مرتضی بالیده بودند ومیراثدار کلامی بغداد بودند، مانند: جعفر بن محمد رازی دوریستی (۴۷۰ق) که از شاگردان شیخ مفید، سید مرتضی و سید رضی در بغداد بود (رازی، ۱۴۲۲: ۴۵)، علامه مجلسی او را به عنوان منتقل کننده کلام بغداد به ری دانسته (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۸: ۱۰۴)؛ عبدالرحمان بن احمد بن الحسين النیسابوری الخزاعی (ق ۵) معروف به شیخ مفید ثانی که او نیز از شاگردان مکتب کلامی بغداد بود و او را به عنوان شیخ اصحاب ری دانسته

اند(رازی، ۱۴۲۲: ۷۵ و ۳۲) و... این جریان نیز به عنوان انتقال دهندگان خط کلامی بغداد به ری بودند که از این پس در باره آنها سخن گفته خواهد شد.

۳-۴) نص گرایان کلامی

پیروان رویکرد نص گرا و محدثان قم که با توجه به فضای حاکم بر ری تغییری در رویکردشان ایجاد شد، از سویی نام آنها در عداد محدثان آمده و از سوی دیگر با دخالت دادن عقل در باره مسائل کلامی در زمره متکلمان نیز از آنها نام برده اند، قبل از این شیخ صدوق (۳۰۵-۳۸۱ ق) یک چنین رویکردی را در ری دنبال کرد، او با آمدن به ری و انجام مناظرات، سفرها و بحث با علمای دیگر مذاهب تغییر روش در آثار او هویدا شد، لذا برخی با توجه به همین تغییر رویکرد، وی را حتی در زمره متکلمان به حساب آورده‌اند.^۱ عبدالجلیل قزوینی رازی در مقدمه کتاب «النقض» وقتی قمی‌ها را به علت رویکرد حدیثیشان مورد سرزنش قرار می‌دهد و از متکلمان ستایش می‌کند، صدوق را در زمره متکلمان و در کنار شیخ مفید و شیخ طوسی که از متکلمان عقل گرای بغداد بودند قرار داده و می‌ستاید(رازی قزوینی، ۱۳۹۱: ۷).

از دیگر مطالبی که متکلم بودن شیخ صدوق را تایید می‌کند و نشان از تغییر روش او در ری دارد، این است که میراث کلامی بجای مانده از متکلمان بغداد مثل نوبختیان، ابن قبه رازی، و ابوزید علوی در کتابهای صدوق آن هم کتابهایی که در اواخر عمر خود نوشته است مثل «کمال الدین و تمام النعمه» انعکاس پیدا کرده است، بنابراین اگر شیخ صدوق در زمره مخالفان با کلام و متکلمان بود از استناد و انتقال سخن افرادی مثل نوبختیان، و ابن قبه رازی که از اعتزال گرایان مدرسه بغداد بودند، خود داری می‌کرد.

پس از سقوط آل بویه نیز همان رویکرد شیخ صدوق ادامه پیدا کرد و پیروانی داشت، از جمله آن پیروان عبد الجلیل رازی قزوینی (۵۸۵ق)، فضل بن حسن طبرسی (۵۴۸ق)، ابو الفتوح رازی (۵۵۶ق)، و ابن شهر آشوب مازندرانی (۵۸۸ق) بودند (جعفریان، ۱۳۸۰: ۴۷۵-).

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: برنجکار و موسوی، عقل گرایی شیخ صدوق و متکلم بودن او، کل مقاله؛ سلیمانی و عارفی، روش شناسی شیخ صدوق، کل مقاله؛ ملانوری و شریعتمداری، بررسی و مقایسه ای صفار و صدوق در ترازوی عقل گرایی، کل مقاله.

۴۸۷)، این شخصیتها اگر چه در زمره متکلمان شهرت نیافتند و نام آنها بیشتر در زمره محدثان آمده است اما اندیشه های کلامیشان از آن پس زبانزد بود، با مراجعه به آراء کلامی آنها مشاهده می شود که رویکرد کلامی آنها عقلی است (موسوی، ۱۳۹۴: ۲۹-۵۳).

۴-۴) نص گرایان محض

جریان دیگری نیز در ری حضور داشتند که در زمره نص گرایان بودند اما با عقل گرایی کلامی که همانا روش متکلمان بغداد بود مخالفت داشتند، که عبد الجلیل قزوینی از آنها با نام اخباری در مقابل اصولی یاد کرده است (رازی قزوینی، ۱۳۹۱: ۲۱-۲۲ و ۴۹۴) از آن جمله قطب الدین راوندی (۵۷۳ق) (ابن طاووس، ۱۳۷۵: ۶۴)، فرزندان قطب الدین راوندی (سبحانی، ۱۳۸۸: ۱۸۸)، وشاذان بن جبرئیل قمی (معاصر دوریستی) (رازی، ۱۴۲۲: ۸۶) و... بودند.

۵) نقش آفرینی حوزه ری در تاریخ کلام امامیه

با توجه به مقدماتی که بیان شد، حوزه ری از چند جهت در تاریخ کلام امامیه نقش آفرین بوده است، که عبارتند از؛

اول: پس از افول مدرسه بغداد، تا شکل گیری مدرسه حله شیعیان به عللی که اشاره شد در دیگر نقاط فاقد مدرسه کلامی بودند، بنابراین حوزه ای که توانست مورد توجه نسبی شیعیان قرار گیرد حوزه ری بود از این رو حوزه ری حلقه وصل مدرسه حله با دیگر مدارس پیشین و پسین امامیه شد و تا حدود زیادی خلا بین بغداد و ری را جبران نمود که از این پس در این باره بیشتر سخن گفته خواهد شد.

دوم: چنانکه اشاره شد در زمان آل بویه دعوت علما با رویکردهای متفاوت موجب شد شخصیتهایی شاخص از دو مدرسه قم و بغداد به مدرسه ری عزیمت کنند، میراث مدارس پیشین را با دو رویکرد عقلی و نقلی با خود به ری منتقل نمایند، بنابراین یکی از مسیرهای موثر در نقل اندیشه های کلامی علمای امامیه با رویکرد عقل گرایی و نقل گرایی به مدارس پسین، ری بود که این جهت نیز بسیار حائز اهمیت است.

سوم: بنا بر گزارشات تاریخی تعداد قابل توجهی از چهره های شاخص کلامی پرورش یافته مکتب قم و بغداد، درری حضور بهم رساندند و به تربیت شاگردانی اقدام نمودند، که توانستند غیر مستقیم در شکل گیری مدرسه کلامی حله موثر باشند، لذا می توان از مهمترین نقشهای حوزه ری تاثیر گذاری بر فرایند کلام امامیه در حله یاد کرد.

چهارم: با توجه به تلاقی دو رویکرد عقلی و نقلی در حوزه ری چنانچه از این پس نشان داده خواهد شد تقابل پیشین قم و بغداد تا حدودی به تعامل تبدیل شد.

بنابراین سیاستهایی که در زمان آل بویه بر حوزه ری حاکم بود تا حدودی پس از آل بویه و حاکمیت سلاجقه نیز همچنان ادامه پیدا کرد زیرا سلجوقیان در مدارسسی تحول ایجاد کردند که در آن مدارس نظامیه تاسیس کرده بودند، فلسفه تاسیس نظامیه ها ترویج مکتب اشعری و شافعی و مقابله با مخالفان از جمله شیعه بود، لذا هر کجا نظامیه ای فعال شد مخالفت با هر گونه عقل گرایی که معتزله و شیعه بر آن اصرار می ورزیدند، انجام می گرفت. بنا براین در مدارس بغداد، نیشابور و دیگر نقاط موفق به تقابل شدند، اما درری گزارش متقنی بر اینکه نظامیه داشته وجود ندارد و چه بسا علت اینکه نظام الملک که موسس نظامیه ها بود درری نظامیه ای در نظر نگرفت، این بود که بافت جمعیتی ری به او اجازه نمی داد زیرا خنفتیان که جمعیت قابل توجه ری را تشکیل می دادند (مقدس، ۱۳۶۱، ج ۲: ۵۹۸) بیشتر آنها پیرو مکتب کلامی عقل گرای اعتزالی بودند، همچنین شیعیان (امامیه، زیدیه، اسماعیلیه) نیز رویکرد شان بیشتر عقل گرایانه بود، نکته دیگر اینکه در ری اگر چه تعداد شافعیان نیز قابل توجه بودند اما فضای تقابل شدید مانند بغداد وجود نداشت، لذا دستگاه حکومت احساس تاسیس نظامیه در ری نداشت، ازاین رو حوزه ری همچنان به راه خود ادامه داد و همه جریانها در آن فعال بودند. اضافه اینکه بنا به شواهدی شیعیان به جهت نفوذ اجتماعی، ارتباط با بعضی از شخصیتهای حکومتی و دارا بودن از علمای بزرگ مورد احترام دستگاه حکومت، کمتر سخت گیری با آنها می شد (رازی قزوینی، ۱۳۹۱: ۱۵۴)، از طرفی خود شیعیان نیز با تدابیر مختلف با سلاجقه و پیروان آنها گلاویز نشدند و توانستند با تعامل و به تعبیری رفتار تقیه ای به حیات علمی خود ادامه دهند، به همین مناسبت عبد الجلیل قزوینی از کتاب فضایح الروافض که در آن زمان توسط یکی از علمای شافعی بر

علیه شیعه نوشته شده بود نقل کرده است که او گفته: «در هیچ روزگاری، شیعیان این قوت نداشتند که اکنون، چه دلیر شده اندوبه همه دهان سخن می‌گویند. هیچ سرایی نیست از ترکان که در او ده رافضی نیستند، و در دیوانها هم دبیران ایشانند، و اکنون بعینه هم چنان است که در عهد مقتدر خلیفه بود» (همان: ۸۶).

بنابراین شرایط حوزه ری با مدرسه بغداد و دیگر مناطقی که غلبه با شافعیها، حنبلیها و دیگر فرق متعصب بود، از جهات متعددی متفاوت می‌نمود، که به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

- فرصت مناسبی برای همه علما و دانشمندان حوزه ری با مذاهب و رویکردهای مختلف و حتی شیعیان وجود داشت تا بتوانند آراء و اندیشه‌های خود را ارائه کنند و پیرامون مسائل مربوط به علوم مختلف اظهار نظر نمایند (همان: ۱۲۳).

- رابطه گسترده علمای ری با دیگر نقاط مختلف بر قرار بود و برای تبادل نظر و تعامل دیگران روی گشاده داشتند، تا حدی که مرتضای رازی که از شخصیت‌های با نفوذ قم و ری بود داماد نظام الملک بود، و همین نظام الملک که به مخالفت با شیعه معروف بود گاه برای استفاده علمی از شیخ جعفر دوریستی به ری می‌آمد (همان: ۴۳۴-۴۳۵).

حاصل اینکه حوزه ری حتی پس از افول آل بویه و از دست دادن پشتوانه سیاسی همچنان یکی از حوزه‌های فعال علمی در تاریخ کلام اسلامی بود که نظیر و بدیلی در آن مقطع نداشت.

۶) اعتزال گرایی حوزه ری و تاثیر آن بر متکلمان شیعه

نکته قابل توجهی که در این قسمت در باره ادامه جریان خط اعتزال در حوزه ری باید توضیح داده شود، این است که قبلاً گفته شد عبدالجبار معتزلی که از علمای شاخص معتزله و یکی از منتقدان کلامی شیعه بود، در ری تاثیر فراوانی گذاشت و کتاب «المغنی فی التوحید» او بعبارتی واکنش به مباحث کلامی شیعه بویژه بخشی از آن اختصاص به مسئله امامت داشت، و در بغداد توسط سید مرتضی از علمای شیعه و ابوالحسین بصری از علمای معتزله بصره مورد نقد قرار گرفت، بنابراین از آن جهت که اندیشه‌های قاضی عبدالجبار در

ری ترویج یافته بود، علمای شیعه موضع مخالف نسبت به آنها داشتند، از این رو برای تقابل با او به نظرات ابوالحسین بصری وسید مرتضی توجه خاص نمودند، زیرا این دو متکلم از منتقدان قاضی عبدالجبار بودند و نظراتشان برای پاسخگویی به پیروان قاضی عبدالجبار مورد استفاده قرار می گرفت، از این جهت علاوه بر عللی که قبلاً اشاره شد رویکرد عقل گرایی حسین بصری وسید مرتضی بر علمای شیعه تاثیر گذاشت، و در نتیجه خط حاکم بر اندیشه متکلمان ری در این مقطعی که ما از آن سخن می گویم (یعنی از نیمه قرن پنجم تا نیمه قرن ششم) خط فکری ابوالحسین بصری وسید مرتضی علم الهدی شد و تقابل با خط اعتزال و پیروان عبد الجبار باعث شد شیعیان نیز از روش عقل گرای شیعی استفاده کنند و با رویکردی که رقیب داشت به مقابله بپردازند، و آن روشی بود که در بغداد نیز سید مرتضی اعمال کرد لذا بعضی از متکلمان ری با پیروی از سید مرتضی وافزون بر آن با تاثیر پذیری از معتزله متاخر مانند ابوالحسین بصری وملاحمی ظهور وبروز پیدا کردند که سدید الدین حمصی رازی از آن شخصیتها بود(رازی، ۱۴۲۲: ۱۰۷) و از این پس در باره نقش او سخن گفته خواهد شد.

۷) شخصیت های کلامی ری

با توجه به مطالبی که گذشت حوزه ری کانون علما و دانشمندان از مذاهب مختلف کلامی و فقهی بود و البته شخصیت های متبحر در علوم مختلف در آن زیست داشتند. اما آنچه مورد نظر در این جستار است متکلمان امامی مذهب این حوزه است، مانند: سدیدالدین حمصی رازی (قرن ۶) که با خط فکری خاصی که در حوزه ری فرا گرفته بود به حله رفت و در آنجا به تدریس پرداخت، کتاب «المنقذ من التقليد و المرشد الی التوحید» حاصل تدریس او در حله شد و به جهت اینکه در حله تدوین شد برآن «التعلیق العراقی» نیز نام نهاده اند(همان).

البته این کتاب در واقع میراث کلامی حوزه ری است، زیرا حمصی پرورش یافته حوزه ری بود و میراث کلامی ری را به حله برد و در آنجا منتشر کرد، و کتاب او با ادبیات کلامی ری تقریر شده است، و به یک معنا شرحی است بر کتاب «جمل العلم و العمل» سید مرتضی که از دو بخش تشکیل شده بود، بخش علمی (اعتقادات) و بخش عملی (احکام). حمصی

رازی در حله تدریس خود را بر مبنای بخش علمی کلامی آن شروع کرد، که نتیجه آن کتاب «المنقذ من التقليد» شد، البته بنا به شواهدی درون متنی این کتاب علاوه بر تاثیر پذیری از رویکرد سید مرتضی تاحدودی از رویکرد ابوالحسین بصری و شاگردش ملاحمی خوارزمی نیز تاثیر داشت (حمصی رازی، ۱۴۱۲ج ۱: ۶۳۱)، در گزارشات علمای تراجم کتابهای دیگر کلامی نیز به حمصی نسبت داده شده است که عبارتند از: کتاب «بدایه الهدایه»، «التبيين والتقيح في تحسين والتقيح»، «التعليق الكبير والتعليق الصغير»، «فناء النفس بعد الموت»، «مشكاه اليقين في اصول الدين» (افندی، ۱۳۸۹، ج ۵: ۲۰۳). از این کتابها فقط از مشكاه اليقين نسخه‌ای باقی مانده است که در باره نسبت اونیز به حمصی بحث شده است.^۱

دیگری عبدالجبار مفید رازی است که از پرورش یافتگان مدرسه عقل گرای بغداد بود و میراث کلامی بغداد را به ری منتقل نمود (رضوی، ۱۳۹۸: ۳۱۰).

عبدالجلیل قزوینی رازی (متوفای نیمه دوم قرن ششم هجری) نیز از دیگر متکلمان شیعی ری به شمار می رفت که کتاب بعض مطالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض، از مؤلفات او می باشد. وی نیز در زمره متکلمان حوزه ری از او یاد کرده اند، این کتاب واکنشی بود به کتابی که توسط یکی از علمای اهل سنت ری بدون اینکه نام خود را بر او نهد در رد اعتقادات شیعه با نام «بعض فضایح الروافض» نوشته شده بود، علمای شیعه از عبد الجلیل قزوینی خواستند به این کتاب پاسخ دهد، اونیز اجابت کرد و کتاب «النقض» را در پاسخ به شبهات بعض فضایح الروافض نوشت. البته باید توجه داشت که این کتاب، کتاب کلامی محسوب نمی شود، اما از آن جهت که مؤلف ضمن پاسخ به انتقادات یک دوره عقاید امامیه را تقریباً استدلالی بازگو کرده است، کتاب را در زمره کتابهای کلامی نیز قرار داده اند. علاوه اینکه می توان بوسیله این کتاب به فضای حاکم بر حوزه ری آن زمان و رویکردهایی که متکلمان آن روزگار داشته اند و اینکه چه مسائلی در آن تاریخ بیشتر مورد توجه بوده است، پی برد. بنابراین چون آن کس که کتابی را در نقد شیعه نگاشته بود نام کتابش را «بعض فضایح الروافض» نهاده بود، قزوینی رازی نیز نام کتابش را در واکنش به

۱. ر.ک: نادم، مقدمه تصحیح و تحقیق مشکوه اليقين فی اصول الدين این اثر به صورت پایان نامه توسط فاطمه نادم اخیرا در جامعه الزهرا (س) دفاع شده است.

آن «بعض مثالب النواصب فی نقض فضایح الروافض» گذاشت، والبته بنا به شواهدی که در آن زمان برای او وجود داشت کتاب را منسوب به شخصی بنام شهاب‌الدین شافعی دانست و از آن پس کتاب با نام این مولف همراه شد، وبه او نسبت داده شد.

همچنین شخصیت‌های دیگری بودند که در استمرار بخشیدن به خط کلامی بغداد نقش داشتند، مانند: ابوالفتوح رازی (م ۵۵۲ یا ۵۵۶ق) صاحب تفسیر روض الجنان و روح الجنان، امین الاسلام فضل بن حسن طبرسی «تفرشی» (م ۵۴۸ق) صاحب تفسیر مجمع البیان و منتجب الدین رازی (بعد از ۵۸۵ق) صاحب کتاب الفهرست. این علما اگر چه در زمره متکلمان نبودند اما کسانی بودند که در مباحث کلامی با خط فکری بغداد سیر می‌کردند و رویکرد آنها در مسائل کلامی آنگونه که در آثارشان مشاهده می‌شود، رویکرد عقلی کلامی بغداد بود (جعفریان، ۱۳۸۰: ۴۷۵-۴۸۷؛ موسوی، ۱۳۹۴: ۲۹-۵۳).

۸) تاثیر حوزه ری بر مدرسه کلامی حله

چنانکه اشاره شد علمای حله در سال (۵۵۰ ق) در مسیر بازگشت سدیدالدین حمصی رازی (۶۰۰ق) از حج از او دعوت به عمل آوردند که در حله اقامت کند وبه تدریس کلام بپردازد، او که پرورش یافته حوزه ری واز جریان عقل‌گرایان ری بود، به دعوت علمای حله لبیک گفت وبا تاسیس مدرسه کلامی حله، یک دوره کامل کلام بر اساس رویکرد عقل‌گرای اعتزالی که از ری به حله آورده بود، در ادبیات کلامی که تا آن زمان مرسوم واز مدارس پیشین بیادگار مانده بود، تحول و تغییر ایجاد کرد، این تغییر رویکرد با مقایسه کتاب الذخیره سید مرتضی و المنقذ من التقلید حمصی رازی آشکار می‌گردد و تحول آفرینی کلامی او را می‌نمایاند. بنابراین اولین تحول کلامی در مدرسه حله که بستر ساز تحولات دیگر آن مدرسه نیز شد توسط سدید الدین حمصی رازی انجام گرفت و بسیاری از شخصیت‌های برجسته حله را با خود همراه کرد (رحمتی، ۱۳۸۷: ۱۳)، از این رو مدرسه کلامی حله وامدار حوزه ری بود (سبحانی، ۱۳۸۸: ۱۸۹).

درکنار رویکرد کلامی عقلی ری، رویکردهمسو با مدرسه قم نیز به حله آمده بود ودر این مدرسه افرادی را به خود جلب کرده بود. در رأس رویکرد نقل‌گرای حله ابن بطریق حلّی و سپس سید بن طاووس (۶۶۴ق) برادر، پدر و جدّ او ورام بن ابی‌فراس قرار داشتند.

این جریان نیز به طور خاص تحت تأثیر محدثان بزرگ حوزه ری مانند عمادالدین طبری (پس از ۵۵۳)، ابن شهر آشوب مازندرانی و شاذان بن جبرئیل قمی (پس از ۵۸۴) که قبلاً از آنها یاد شد قرار داشتند (رضوی، ۱۳۹۸: ۳۲۸-۳۳۴).

نتیجه‌گیری

آنچه در این جستار گذشت ما را به چند نتیجه مهم رهنمون می‌سازد؛

۱. در ری تحول جدی و نوینی که این حوزه را در عداد مدارس تحول آفرین امامیه قرار دهد، وجود نداشت، بلکه آنچه نمود داشت ادامه دو خط فکری پیشین شیعه یعنی خط قم و بغداد در این حوزه بود.

۲. حوزه ری مسیر عبور دو خط فکری قم و بغداد و حلقه وصل میان دو مدرسه مهم کلامی امامیه یعنی بغداد و قم بود.

۳. ری نقش زیر ساختی بر مدرسه حله داشت و آنچه در مدرسه کلامی حله ظهور و بروز پیدا کرد، رویکردی بود که در ری پرورش یافته بود و آنگاه به حله رفت و سنگ بنای مدرسه کلامی حله را گذاشت که سرآغاز تحول بزرگ و سر نوشت سازی در تاریخ کلام امامیه شد.

۴. نه تنها رویکرد عقل‌گرای ری به حله آمد و تاثیر بر آن مدرسه گذاشت، رویکرد نص‌گرای ری نیز به حله آمد و تاثیر گذار شد بنابراین دو رویکرد شاخص امامیه که از کوفه به قم و بغداد رفته بود، از آن دو مدرسه به ری راه پیدا کرده بود، از ری به حله آمد و همزمان در حله ادامه پیدا کردند.

منابع:

- ابن اثیر، عز الدین ابوالحسن علی بن ابی المکارم، (۱۴۰۷ق)، *الکامل فی التاریخ*، تصحیح: محمد یوسف دقاقه، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن داود حلّی، حسن بن علی، (۱۳۴۲ش)، *الرجال*، تهران: دانشگاه تهران.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، (۱۳۸۰ق)، *معالم العلماء*، نجف: مطبعه الحیدریه.
- ابن طاوس حلّی، حسن بن علی، (۱۳۷۵ق)، *کشف المحجّه لثمره المهجه*، قم: بوستان کتاب.
- ابن کثیر الدمشقی، ابو الفداء اسماعیل بن عمر، (۱۴۰۸ق)، *البدایه والنهایه*، بیروت: دار احیاء التراث الاسلامی.
- احمدی و میرزایی، داود وزهرا، (۱۳۹۳ش)، *مذهب معتزله در ری*، مجموعه مقالات *کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی*.
- اصفهانى، ابوالفرج علی بن حسین، (۱۴۱۵ق)، *الآغانی*، تحقیق: مکتب تحقیق دار الاحیاء التراث العربی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- افندی، عبدالله بن عیسی بیگ، (۱۳۸۹ق)، *ریاض العلماء و حیاض الفضلا*، ترجمه ساعدی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- انصاری قمی، حسن، (۱۳۹۱ش)، *پیشگفتار فارسی چاپ جدید کتاب المعتمد در علم کلام*، تهران: مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- برنجکار و موسوی، (۱۳۹۰ش)، *عقل گرایی شیخ صدوق و متکلم بودن او، نشریه علوم حدیث*، شماره ۵۷.
- تقی زاده، سید حسن، (۱۳۹۰ق) *تاریخ علوم در اسلام*، تهران: فردوس.
- تینانی، سید علی اکبر، (۱۳۹۸ش)، *جریان شناسی فکری امامیه در دوران فترت*، قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث.
- جعفریان، رسول، (۱۳۸۰ش)، *تاریخ تشیع در ایران*، قم: انتشارات انصاریان.
- حمصی رازی، محمود بن علی، (۱۴۱۲ق)، *المنتقد من التقليد*، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- حمید زاده، حکیمه، (۱۳۸۵ش)، *جامعه شیعی بغداد از آغاز شکل گیری تا پایان غیبت صغری*، *نشریه شیعه شناسی*، شماره ۱۳.
- حموی، یاقوت بن عبدالله، (۱۳۸۳ق)، *معجم البلدان*، تحقیق: علی نقی منزوی، تهران: سازمان

میراث فرهنگی.

ذهبی، محمد بن احمد، (۱۴۲۷ق)، *سیر اعلام النبلاء*، قاهره: دارالحدیث.

رازی قزوینی، عبدالجلیل، (۱۳۹۱ق)، *نقض بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضایح الروافض*، تصحیح و تحقیق: محدث ارموی، قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.

رازی، منتجب الدین، (۱۴۲۲ق)، *الفهرست*، تحقیق: سید جلال الدین محدث ارموی، قم: کتابخانه آیت الله نجفی مرعشی.

رحمتی، محمد کاظم، (۱۳۸۷ش)، *فرقه های اسلامی*، تهران: بصیرت.

رضوی، رسول، (۱۳۹۸ش)، *تاریخ کلام امامیه حوزه ها و جریانهای کلامی*، قم: دارالحدیث.

زیدان، جرجی، (بی تا)، *تاریخ تمدن اسلام*، بیروت: دار المکتبه الحیاه.

سبحانی، محمد تقی، (۱۳۸۸ش)، *شهادتین در کشاکش دو جریان کلامی مدرسه حله*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، *مجله نقد و نظر*، شماره ۵۶.

صدیقیان، حسین، (۱۳۸۹ش)، *شهر ری در دوره آل بویه*، *کتاب ماه*، شماره ۱۵۱.

صدوق، محمد بن علی، (۱۳۷۹ق)، *معانی الاخبار*، قم: انتشارات جامعه مدرسین.

----- (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمه*، چاپ دوم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

فدایی عراقی، غلامرضا، (۱۳۸۳ش)، *حیات علمی در عهد آل بویه*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

فقیهی، علی اصغر، (۱۳۸۶ش)، *آل بویه نخستین سلسله قدرتمند شیعی*، تهران: نشر صبا.

فیروزمند و نریمانی، جعفر و زهره، (۱۳۹۶ش)، *نقش مفاخر شیعه در نشر حدیث در ری*، *پژوهشنامه علوم حدیث تطبیقی*، شماره ۷.

فیض، عباس، (۱۳۵۴ش)، *شیخ الطائفة أبو جعفر طوسی و نقش وی در علوم اسلامی*، *یادنامه شیخ طوسی*، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.

قمی، شیخ عباس، (۱۳۹۷ق)، *الکنی و الالقاب*، تهران: کتابخانه صدر.

----- (۱۳۷۴ش)، *سفینه البحار*، مشهد: آستان قدس رضوی.

مادلونگ، ویلفرد، (۱۳۷۷ش)، *فرقه های اسلامی*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: اساطیر.

مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، بیروت: دار الکتب الاسلامیه.

مختاری، رضا، (۱۳۸۹ش)، *کتاب شیعه*، *موسسه کتاب شناسی شیعه*، سال اول، شماره اول.

مستوفی، حمداله، (۱۳۸۷ش)، *تاریخ گزیده*، باهتمام دکتر عبدالحسین نوایی، تهران: انتشارات امیرکبیر.

مسعودی زارعی، (۱۳۹۵ش)، روش شناسی کلامی صدوق، *پژوهشنامه کلام*، سال سوم، شماره ۵.
مقدس، ابوعبدالله، (۱۳۶۱ش)، *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، ترجمه علینقی منزوی، بی جا: شرکت مولفان و مترجمان.

ملانوری و شریعتمداری، محمد رضا و حمید رضا، (۱۳۹۵ش)، بررسی مقایسه‌ای آراء صفار و صدوق در ترازوی عقل گرایی، *شیعه پژوهی*، شماره ۷.

موسوی، سید جلال الدین، (۱۳۹۴ش)، مدرسه کلامی ری، *نقد و نظر*، شماره ۷۷.

موسوی تنیانی، سید اکبر، (۱۳۹۴ش)، مدرسه حدیثی امامیه در بغداد، *علوم حدیث*، شماره ۷۶.
نادم، فاطمه، (۱۴۰۰ش)، *تصحیح و تحقیق مشکات الیقین فی اصول الدین*، پایان نامه ارشد، رشته کلام و فلسفه، جامعه الزهرا (س).

نریمانی و فیروزمند، زهره و جعفر، (۱۳۸۶ش)، تعامل مکتب حدیثی بغداد و ری، *علوم حدیث*، شماره ۴۴.

Representation of the importance, role and position of the Ray seminary in the history of Imamiyyah

Mohammad hasan Nadem¹

After the decline of the Baghdad school (447 AH) until the formation of the Hala theological school (half of the 6th century) in Iraq, which was one of the most important and revolutionary schools in various sciences, including theology, there was a transition in the history of Imamiyya theology, and the Shiites were left without a theological school. The only field in which Shia had scientific efforts was the Ray seminary, in Ray the followers of other Islamic schools, especially the Mu'tazila, had an active presence and influence, and for this reason, the prevailing atmosphere in that field was "Ezali" rationalism. They made a diligent effort to follow the theological line of Qom and Baghdad, but they did not create a special change in theology, therefore, the field of Ray was not counted among the theological schools of Imamia, but it played a very important and effective role in the formation of the theological school of Halle in other ways. Therefore, this research aims to analyze and investigate the history, position, importance and key role of the Ray field as one of the important cultural centers of Iran at that time, which was the link between the schools of Qom and Baghdad, and its influence, using a library method. They appear in the history of Imamiyyah

Keywords: Qom School, Baghdad School, Ray's School, Halle School, History of Imamiyya Theology

¹ . Associate Professor of Theology and Faculty Member of Qom University of Religions and Denominations